

برجسته ترین روزنامه نگار ایرانی در جریان

شورش ۵۷

امیر فیض- حقوقدان

خبرمنتشره در روزنامه کیهان لندن حاکی است که آقای امیرطاهری سردبیر روزنامه کیهان مصباح زاده، در مراسمی در لندن عنوان روزنامه نگار برجسته سال را کسب کرده است.

آقای امیرطاهری قبل از اینکه به این مقام برسد صاحب مقام برجسته ترین روزنامه نگار ایرانی در جریان شورش ۵۷ است به اتفاق به کیفیت تحصیل این مقام! رجوع میکنیم.

نخست اشاره ای به کیفیت پیدایش کیهان تهران ضرورت این تحریر است.

آقای مصباح زاده مدیرمسئول و صاحب امتیاز کیهان در مصاحبه با آقای غلامرضا افخمی در باب براه افتادن کیهان گفته است:

«من اصلا اهل خواندن روزنامه نبودم و هیچ علاقه ای هم به روزنامه نداشتیم و اصلا چیزی هم نمینوشتم چون بسیار بد خط بودم روزی علی قوام میگوید؛ اعلیحضرت از اینکه روزنامه هابه رضاشاه توهین میکنند وبه الاحضرتها اهانت مینمایند ناراحت هستند مصباح زاده میگوید اینکه مشکل نیست ماهم روزنامه ای راه میاندازیم وجواب آنها را میدهم بدین ترتیب با کمک واعانت مالی شاهنشاه ایران بمبلغ ۴۰۰۰۰ تومان روزنامه کیهان براه می افتد.» (مشروح درسنگراول دیماه ۱۳۸۵- ذکررقم ۴۰۰۰۰ تومان از کتاب شادروان آهنجیان است)

مقصود از اشاره بالا این است که آقای امیرطاهری سردبیر روزنامه ای بود که مردم او را روزنامه شاه میدانستند نه یک روزنامه توده ای مخالف.

آقای امیرطاهری تا موفقیت کامل شورشیان سردبیر کیهان بود. بعد از شورش ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) خاتم پری سکندری مصاحبه ای با آقای امیرطاهری داشت که در جزوه ای زیر نام «مراچه میشود» در ۲۴ صفحه منتشر شد.

خاتم پری سکندری از آقای امیرطاهری سوال میکند که آیا بعقیده شما خارجیان در انقلاب ایران دخالتی داشتند؟

آقای امیرطاهری جواب میدهند که خیر دخالتی نداشتند وبعد اینچنین توضیح میدهد:

«در اواخر سلطنت شاه، تمام کارها جز پولدار شدن ممنوع بود آدمی فقط آزاد بود که پول داشته باشد اما مردم یک مقداری احتیاج به حرمت و احترام داشتند هرکس در حد خودش مثلا آقایی که از نظر اقتصادی میلیارد دلار ارزش داشت از نظر سیاسی صفر بود یعنی ممکن بود صبح که از خواب بیدار شود به او بگویند ثروت او ملی شده و خودش هم روانه زندان میشود. صاحب بزرگترین امپراطوری مطبوعات بین اروپای غربی و ژاپن (مقصود کیهان است) همین وضع را داشت ممکن بود یک روز که از خواب بیدار شد او و خانواده اش را اعدام کنند. یک ژنرال هم همین وضع را داشت این بی حرمتی ها به انسانها بود و متأسفانه همه این قدرتهای فردی در یک نهاد متمرکز شده بود که آن هم سلطنت بود. سلطنت داشت انتقامش را از مشروطیت میگرفت مردم یک جامعه میخواهند آن قدرتی را که در حوزه کار خود دارند در حوزه سیاسی هم داشته باشند مثلا آیت الله شریعتمداری یا خونی رامثال میزنم که هر کدام ۵ تا ۶ میلیون مقلد داشتند اما قدرت سیاسی آنها صفر بود»

امیرطاهری درباره مشروعیت! جمهوری اسلامی میگوید:

«مشروعیت و یاقانیت رژیم فقیه زمینه های انقلابی اش بود. این رژیمی است که از بطن یک انقلاب تمام عیار بیرون آمده و جواز اصالت خود را نیز از شماری نیروها و سازمان های انقلابی موجود در کشور ما از مارکسیست ها گرفته تا فاشیست ها دریافت کرده است.» (مقاله امیر طاهری در کیهان لندن شماره ۹)

محال است سردبیری روزنامه کمونیستی و ضد سلطنتی در ایران را بتوانید بیابید که چنین اتهام سنگین و دروغی بسیار بزرگ را مدعی شود، فراموش نکنید که این اظهارات سردبیری روزنامه معروف به دولتی و سلطنتی بودن است.

این چنین آدمی معلوم است که در اولین فرصت علیه رژیم سلطنتی که معتقد است عامل همه این فساد ها و بی حرمتی به جان و مال و آبروی مردم است برخاست، برخاستی که بمناسبت سردبیری کیهان براحتی و بدون هیچگونه مانعی میتواند به خواسته های شورشیان جامه عمل بپوشاند.

در همان مصاحبه خانم پری سکندری درباره سانسور ساواک از آقای امیر طاهری سوال شده ایشان گفته است: «بله در آن زمان باید صفحات روزنامه را قبلا به آنجا میفرستادیم تا بازدید شود ولی من مطالبی که بنظر خودم مفید بود مجددا در آن جا میدادم» (از همان جزوه - سنگر ۱۵ شهریور ماه ۱۳۷۰)

در همان مصاحبه ایشان میگوید: «من واقعا مطالعه شخصی روی ساواک ندارم، در مورد خود من آنها جرات زیادی نمیکردند و نمیتوانستند روی من فشار بیاورند»

اشارات بالا را بدان سبب آوردم تا ملاحظه شود تا چه اندازه امیر طاهری با قدرت و جسارت و علیرغم سیاست کشور و ساواک فعال بوده است. عبارت «بنظر خودم» کاملا ایشان را در موقعیتی که ایشان در مخالفت و دشمنی پادشاه داشت نشان میدهد.

امیر طاهری با پشتیبانی کیهان، آن روزنامه را به پایگاه فعالیت حزب توده تبدیل کرده بود آقای صدرالدین الهی مینویسد: «خسرو گل سرخی و مریم اتحادیه که به اتهام ربودن و لیهود تحت تعقیب قرار داشتند جزء هیئت تحریریه کیهان قرار داشتند و اعلیحضرت بمناسبت این قضیه باتندی با مصباح زاده روبرو جلسه کنفرانس رامسر را ترک کردند» (کیهان لندن شماره ۱۱۳۶)

در کتاب احسان طبری آمده است:

«سازمان نوید (سازمان مزبور یک سازمان چپی وابسته به حزب توده بود که مخفیانه عمل میکرد) نفوذ قابل توجهی در هیئت تحریریه روزنامه کیهان داشت. رحمان هاتفی یکی از دوفرر رهبران اصلی سازمان نوید، در کیهان معاون امیر طاهری سردبیر کیهان بود، او در کیهان بر عناصر توده ای که در کیهان کار میکردند نظارت و رهبری داشت. هاتفی بعزت اشتغالات فراوان امیر طاهری عملا گرداننده اصلی کیهان در سالهای ۵۶ و ۵۷ بود» (کتاب گزراهه صفحه ۲۹۶)

فقط احسان طبری نیست که در کتاب گزراهه راجع به هاتفی معاون امیر طاهری و همه کاره کیهان فاشگونی کرده است، معاش محقق نوشته است:

«بزرگترین سازمان مطبوعاتی و انتشاراتی مملکت یعنی کیهان دست امیر طاهری خویشاوند شهبانو بود که امیر طاهری همه کارها را داده بود به دست رحمان هاتفی کمونیست معروف و عضو کمیته مرکزی حزب توده و سازمان تروریستی نوید <.....» (جلد دوم صفحه ۹۲۳)

در برنامه آقای میرمطهری در اواسط سال ۱۳۷۰ برخی از شنوندگان روی خط تلفن رادیو اظهار میکردند که از مدتی قبل از فتنه ایران روزنامه های اطلاعات و کیهان به دولت حمله میکردند و مطالبی نیشدار بنفع اسلامی ها مینوشتند آیا مسئول کیهان در آن اواخر شاه آقای امیر طاهری نبوده است؟ (سنگر ۳۲۲+۹۹)

آقای امیر طاهری در کیهان دهم بهمن ماه سال ۵۷ نوشته ای دارد که مقام ایشان را در مطبوعات سال ۵۷ کاملا مشخص میسازد.

>..... در یک سال اخیر نهضت اسلامی در صحنه سیاسی ایران رفته رفته نیرومند ترین جریان سیاسی شده است و الفبای روزنامه نگاری حکم میکند که به این نیرو که رهبری انقلاب ایران را در دست دارد بیشترین توجه بشود مخصوصا که حقانیت انقلاب ایران مورد تائید روزنامه نگاران ایران است< (کیهان دهم بهمن ۵۷)

آقای امیر طاهری سردبیر کیهان مصباح زاده بزرگترین عکس ممکن را از خمینی در صفحه اول روزنامه کیهان چاپ کرد آقای غلامرضا افخمی در مصاحبه با آقای مصباح زاده اشاره به عکس مزبور میکند و میگوید که آن اقدام کیهان موجب رنجش شاه شد مصباح زاده جواب میدهد: <آن تصویر را در کیهان گذاشتم که مردم عکس خمینی را در ماه نگاه نکنند>

میدانید که رسم روزنامه فروشان در ایران چنین بود که روزنامه را در بساط پهن میکردند و ایرانیان بیشتر در همان بساط سرفصل های درشت روزنامه ها را میخواندند و به آن پیوست باوری میدادند تصویر بزرگ خمینی در صفحه اول در یک روزنامه که معروف به طرفداری از دولت است چه معنایی دارد جز ترغیب و تحریص مردم به شرکت در شورش.

سردبیر هیچ روزنامه ای در آن زمان جرات و جسارت این بی پروانی های امیر طاهری را نداشت.

در اسناد مبارزه آمده است:

<در سالهای ۵۶ و ۵۷ شاهنشاه ایران از فعالیت های روزنامه کیهان به سردبیری امیر طاهری با سران جبهه ملی و شورشیان مستحضر شدند و بهمین سبب در دو سال مزبور با آنکه مصباح زاده بارها تقاضای شرفیابی کرد شاهنشاه نپذیرفتند تاروی که تیمسار سپهبد پرویز خسروانی پست آجودانی شاهنشاه را داشتند با وساطت ایشان، شاهنشاه موافقت میفرمایند که در سفر به شیراز، مصباح زاده میتواند دوسه دقیقه شرفیاب بشود> (مشروح درسنگر ۳۳۲+۴۳۴)

نتیجه گیری:

آنچه به اختصار و فشرده عرض و ارائه شد دلایلی برای قبول این واقعیت زشت و کریه است که آقای امیر طاهری برجسته ترین روزنامه نگار ایرانی درجا انداختن شورش ایران بر افکن ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) است.^۱

^۱ - لازم به یاد آوری است که آقای مصباح زاده، دانشکده ای بنام «دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی» در شمال تهران باز کرده بود که کسانی مثل صدرالدین الهی که از زمره وابستگان به حزب توده بود، و هنوز در کیهان لندن از جمله کسانی است که هر روز مقاله می نویسد، دکتر حمید نطقی که سالها در روابط عمومی شرکت نفت انگلیس و ایران (۱۳۳۰) و سپس در شرکت شل انگلیسی کار کرده بود، و دکتر کاظم معتمد نژاد، که او هم از جمله توده ای های شاغل در کیهان بود بعنوان مدیر مسئول دانشکده علوم ارتباطات، و دکتر حسن صفوی که از توده ای های مشهور و بخشوده شده تحصیل کرده انگلستان بود، در آنجا تدریس می کردند. دکتر نطقی با دکتر هیبت بسیار دوستی طولانی داشت آنها با همکاری شهریار شاعر که طرفدار خمینی بود پس از شورش ۱۹۷۹ روزنامه «وارلیق» (بودن) را منتشر میکردند و به عناوین گوناگون از «انقلاب» با واژه «پیروزی» یاد می کردند. ح-ک